

پرونده برادر کشی در ایستگاه قسامه



سر نوشت مرد جوانی که به اتهام قتل برادر بنگاهدارش در بازداشت به سر می‌برد با انجام مراسم قسامه مشخص خواهد شد.
به گزارش خبرنگار ما، دهم تیرسال ۸۶، مأموران پلیس از حادثه آتش‌سوزی در منزل مسکونی در یکی از محله‌های تهرانسرخ‌پوش و راهی محل شدند. بعد از مهار آتش، مأموران پلیس در بررسی از محل با بقایای جسد مرد صاحب‌خانه به نام داریوش رویه‌رو شدند که ضربات چاقو روی بدن او نمایان بود. همچنین شواهد نشان می‌داد آتش‌سوزی عمدی بوده و داریوش قبل از حادثه آتش‌سوزی با ضربات متعدد چاقو کشته شده است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، کار آگاهان در موضوع قتل عمد در دستور کار پلیس قرار گرفت و بنگاه معاملات ملکی بوده که از چند نفر طلب داشته‌است. همین سرخ کافی بود تا مأموران چند نفر از افراد بدکار را به عنوان مظنون دستگیر کردند و تحت بازجویی قرار دهند، اما از آنجائیکه مدرکی علیه آنها به دست نیامد همگی تیره و آزاد شدند.

بعد از اعلام نظر به پزشکی قانونی مبنی بر اینکه مقتول قبل از آتش‌سوزی با ۹۷ضربه چاقو کشته شده سپس به آتش کشیده شده‌است، فرضیه قتل از سوی فردی آشنا قوت گرفت و سرانجام در روند تحقیقات مأموران به اختلاف مالی مقتول با برادر کوچکش به نام قربان پی بردند. بنابراین قربان ۳۹ساله بازداشت شد. او در مراحل بازجویی گفت: «سالها در زاین کار می‌کردم و پول‌هایم را برای پدرم می‌فرستادم. وقتی به ایران برگشتم متوجه شدم پدرم پول‌ها را نا عادلانه میان من و برادرم تقسیم کرده است. همین موضوع باعث اختلاف من و برادرم شد، اما این اختلاف‌ها دلیلی نبود که برادرم را به قتل برسانم. باور کنید من قاتل نیستم و نمی‌دانم چه کسی و با چه انگیزه‌ای برادرم را کشته است. برادرم بنگاهدار نبود و اهل معامله به همین دلیل احتمال می‌دهم فرد یا افراد دیگری از او کینه داشتند.» با انکارهای متهم، اما بنا به شواهد و قرائن موجود برادر مقتول روانه زندان شد و پرونده به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در حالیکه ۱۱ اسال از قتل مرد بنگاهدار گذشته بود، متهم فروردین‌ماه اسمال پای میز محاکمه قرار گرفت و بار دیگر جرمش را انکار کرد مدعی شد بی‌گناه است. بنابراین هیئت قضایی پرونده را لوئث تشخیص داد و حکم به برگرزای مراسم قسامه داد.

به این ترتیب صبح دیروز قرار بود اولیای دهم ۱۰ نفر از بستگان نسبی خود را به دادگاه معرفی کنند، اما به دلیل عدم احضار این تعداد از بستگان اولیای دم، آنها سه‌ماه از قضات دادگاه مهلت گرفتند و قرار شد این مراسم در تاریخ مقرر انجام شود. به این ترتیب متهم در صورت اجرای این مراسم از سوی اولیای دم در استانه مرگ قرار خواهد گرفت.

زن شیک‌پوش عاشق سرق‌تادکلن بود

زن شیک‌پوش که به صورت سریالی از مغازه‌های ادکلن فروشنی شمال تهران سرق‌ت می‌کرد بازداشت شد.
به گزارش خبرنگار ما، پنج‌شنبه هفته گذشته بود که صاحب یک مغازه ادکلن‌فروشنی به مأموران کلانتری ۱۲۳نیابوران خبر داد و توضیح دادکلن‌گرانقیمتی از مغازه‌اش سرق‌ت شده است. او توضیح داد: فروشگاه من در یک پاساژ واقع است. ساعتی قبل زنی شیک‌پوش وارد شد و در حالیکه از عطر و ادکلن اطلاعات کافی داشت شروع به صحبت و تست کردن عطرها و پرسیدن قیمت‌های آن کرد. بعد از رفتن او وقتی خواستم ادکلن‌ها را سرچایش بگذارم که متوجه شدم یکی از ادکلن‌های گرانقیمتم سرق‌ت شده است.

بعد از مطرح شدن شکایت بود که مأموران کلانتری با بررسی دوربین مداربسته مغازه شاکی تصویر چهره متهم را شناسایی کردند. آنها همچنین متوجه شدند شکایت‌های مشابهی به پلیس گزارش شده است. از آنجا که احتمال می‌رفت زن شیک‌پوش به مغازه‌های ادکلن‌فروشنی دیگری هم دستبرد بزند مشخصات او در اختیار صاحبان مغازه‌های اطراف قرار گرفت تا اینکه صبح دیروز نتایجمان همان پاساژ با پلیس تماس گرفت و گفت که زن شیک‌پوش برای خرید ادکلن وارد یکی از مغازه‌های محل شده و در حال حرف زدن با فروشنده است. بعد از آن بود که مأموران پلیس در محل حاضر شده و متهم را بازداشت کردند. او در اولین بازجویی‌ها جرمش را انکار کرد، اما وقتی تصاویر دوربین مداربسته را دید چاره‌ای جز اعتراف نداشت. متهم گفت: مدتی پیش با مردی آشنا شده که او را با عطر و ادکلن آشنا کرده و از او خواسته است با روش سرگرم کردن فروشنده‌گان عطر و ادکلن گرانقیمت را سرق‌ت کرده و برایش بیاورد. سرهنگ محسن آزادبخت، رئیس کلانتری ۱۲۳ نیابوران گفت: تحقیقات از متهم در جریان است.

قتل به دست پنجمین شوهر کنار دادگاه خانواده!

قاتل ومقتول که هر دو بیمار اعصاب وروان بودند و در هواخوری حیاط بیمارستان باهم آشنا شدند زندگی پر حادثه‌ای را گذرانده بودند

«همسر م را دوست داشتم و حتی وقتی فهمیدم او قبل از ازدواج با من با چهار مرد دیگر هم ازدواج کرده و جدا شده‌است باز هم تصمیم گرفتم با او زندگی کنم. اما وقتی حرف از جدایی زد، چیزی نفهمیدم و او را به قتل رساندم.» این حرف‌های سردی است که همسر دومش را در نزدیکی دادگاه خانواده در شهرستان اسلامشهر قبل طرح در خواست طلاق به قتل رسانده است.
به گزارش خبرنگار ما، ظهر روز چهارشنبه ۲۰ تیرماه اسمال مأموران پلیس شهرستان اسلامشهر با تماس تلفنی شهروندی از قتل زن جوانی در پارکی حوالی دادگاه خانواده با خبر و راهی محل شدند. مأموران در محل حادثه در پیاده‌رو پارک با جسد زن ۳۲ساله‌ای به نام فروزان رویه‌رو شدند که با اصابت ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود. نخستین تحقیقات نشان داد لحظاتی قبل مقتول با مرد جوانی در گیر شده که در جریان آن مرد جوان با چاقو وی را هدف قرار می‌دهد و در ادامه با خودروی پژو ۲۰۷ سفیدرنگی از محل فرار می‌کند.

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی مأموران تحقیقات خود را برای قاتل فراری آغاز کردند تا اینکه در یافتند صبح روز پنج‌شنبه قاتل خودش را به پلیس آگاهی پایتخت معرفی کرده‌است.

صبح دیروز قاتل برای تحقیق به دادرسی امور جنایی تهران منتقل شد و با اظهار پشیمانی به قتل همسرش اعتراف کرد. قاضی مدیر روستا، بازپرس شعبه‌ششم دادرسی امور جنایی تهران پس از بازجویی با صدور قرار عدم صلاحیت متهم را برای ادامه تحقیقات در اختیار کارآگاهان شهرستان اسلامشهر قرار داد.

متهم که مرد ۲۷ساله‌ی به نام فرزاد است در گفت‌وگو با خبرنگار ما گفت: مقتول همسر دوم بود و خیلی او را دوست داشتم و به خاطر ازدواج با او همسر اولم را طلاق دادم و الان هم به شدت از قتل او پشیمان هستم. همسر دوم قبل از من چهار بار ازدواج کرده بود و به من نگفته بود، اما باز هم او را دوست داشتم به خاطر همین دوستی وقتی متوجه شدم او قصد جدایی دارد دست به قتل زدم.

چطور با همسر اولت آشنا شدی؟

داخل خیابان با هم آشنا شدیم و شش‌سال قبل با او ازدواج کردم و چهار سال هم با هم زندگی کردم که حاصل زندگی ما یک‌دختر است.

همسر اولت را دوست داشتی؟

بله اما نه به اندازه فروزان.

چرا؟

نمی‌دانم اما او خیلی مرا دوست داشت و با اینکه من از نظر اعصاب و روان مشکل داشتم با من مدارا می‌کرد و به مادرم گفته بود حاضر است با من زندگی کند و مرا درمیان کند.

چرا طلاقش دادی؟

با هم اختلاف داشتم که بیشتر من مقصر بودم و او گذشت می‌کرد اما وقتی با فروزان آشنا شدم و تصمیم به ازدواج با او گرفتم، همسر اولم را طلاق دادم.

چطور با فروزان آشنا شدی؟

ما هر دو مشکل اعصاب و روان داشتم. دو سال قبل هر دو در بیمارستان بستری بودیم که در ساعت هواخوری در محوطه بیمارستان باهم آشنا شدیم. من عشق اوشدم به طوری‌که هر لحظه به فکرش بودم و در نهایت پیشنهاد ازدواج دادم و یک‌سال قبل بعد

از اینکه همسر اولم را طلاق دادم با او دواج کردم.

پس چرا او را کشتی؟

گریه می‌کنم و بعد از لحظاتی می‌گویم: «شاید به خاطر دوست داشتن زیاد.»

بیشتر توضیح بده؟

ما ابتدا زندگی خوبی داشتم. من داروهایم را طبق دستور پزشک مصرف می‌کردم، اما او گاهی مصرف می‌کرد و گاهی هم داروهایش را نمی‌خورد به همین سبب گاهی اوقات حالش بد بود. تازه متوجه شده بودم شبیه هم مصرف می‌کنم و کم‌کم اختلافات ما زیاد شد تا اینکه متوجه شدم او قبل از من چهار بار ازدواج کرده و طلاق گرفته‌است، اما به من نگفته بود و بار ازدواج کرده‌است و شناسنامه‌اش هم داشت. همین موضوع اختلافات ما بیشتر شده به طوری‌که همیشه با هم مشاجره لفظی داشتم، اما من هرگز او را کتک‌زدم چون خیلی او را دوست داشتم و با اینکه چندباری از خانه فرار کرده بود دوباره او را به خانه برمی‌گردانم تا زندگی ما از هم نپاشد. واقعا عاشق او بودم و جدایی از او برای من مثل مرگ بود.

از روز حادثه بگو؟

یک‌هفته قبل از حادثه با هم مشاجره کردیم که چاقویی از خانه‌اش برداشت و تهدید به خودزنی کرد و بعد هم با لباس خانه که به تن داشت از خانه فرار کرد. مدتی دنبالش گشتم و حتی در دادرسی جنایی هم اعلام مفقودی کردم تا اینکه یک‌هفته بعد تماس گرفت و گفت در دادگاه خانواده اسلامشهر تقاضای طلاق داده و برای طلاق به آنجا بروم. صبح روز حادثه به دادگاه رفتم که بعد از ساعتی همراه پسر جوانی به دادگاه آمد. وقتی از او سؤال کردم پسر غریبه چه نسبتی با تو دارد مدعی شد که راننده ات‌اس است. من و مادرم اصرار کردیم از جدایی صرف‌نظر کند، اما او قبول نکرد تا اینکه قاضی دادگاه ما را به دفتر ثبت و اسناد در آن نزدیکی فرستاد تا آنجا طلاق ما ثبت شود. در میان راه او را به داخل پارک بردم که پسر غریبه هم ما را تعقیب می‌کرد. به فروزان اتماس کردم که به خانه برگردد، اما اصرارهای من فایده‌ای نداشت تا اینکه چاقویی را که همان روز فرار با خود برده بود از کیفش بیرون آورد و زیر گلویش گذاشت و مرا تهدید کرد که مهربانش را بدهم و اگر او را طلاق ندهم خودش را می‌کشد. همان لحظه پسر زنی از کنار ما عبور کرده و فروزان گفت که خجالت یکشده و فروزان هم حواسش پرت شد و در کمتر از ثانیه‌ای چاقو را از او گرفتم و چند ضربه‌ای به همسرم زدم.

چقدر مهربانش بود؟

پنج‌سکه بود. مشکل من مهربی اون بود چون ۵۰سکه مهربی همسر اولم را دادم و پر داخت مهربی فروزان هم خیلی برای من مشکل نبود، اما فقط دوست داشتم با او زندگی بکنم.

بعد چه شد؟

فروزان خونین‌نقش بر زمین شد و من هم از مردم خواستم با اورژانس تماس بگیرند که مردی به من گفت فرار کنتم و من هم از ترس سوار ماشینم شدم و به طرف شهرک واوان فرار کردم. شب به تهران آمدم و در میدان خراسان داخل خودروام خوابیدم و صبح با مادرم تماس گرفتم و او پیش من آمد و دونفری به پلیس آگاهی آمدم و به قتل همسرم اعتراف کردم.

حرف آخر؟

ما هر دو محجوریت داشتم و تحت نظر بهیشتی بودیم. کاش او راننده بودم و الان هم او زنده بود و من هم آزاد.

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۶۹۸۴۳۵

یکشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۷ | اول ذی‌العده ۱۴۳۹ |

ناظم مدرسه معین به زندان و شلاق محکوم شد

ناظم خطاکار دبیرستان پسرانه معین تهران که به اتهام تشویق به فساد و فحشا متهم است به زندان و شلاق محکوم شد.
متهم هفتم خردادماه اسمال و به دنبال انتشار خبر تعرض به چند دانش آموز بازداشت شد. هر چند در تحقیقات پلیس مشخص شد متهم، شاکیان خود را مورد آزار جنسی قرار نداده، اما باز پرس وی را به اتهام تشویق به فساد و فحشا مجرم شناخت و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات برای رسیدگی به شعبه ۱۰۹۱ مجتمع قضایی ارشاد فرستاده شد. جلسه رسیدگی به پرونده هفته گذشته به صورت غیرعلنی با حضور چند نفر از شاکیان بر گزار شد. قاضی رسیدگی کننده بعد از شنیدن دفاعیات متهم و اظهارات شاکیان، وی را به حبس و شلاق محکوم کرد.

غلامحسین اسماعیلی، رئیس کل دادگستری تهران گفت: این رأی از ناحیه دادگاه رسیدگی کننده به پرونده اتهامی ناظم مدرسه معین در مهلت مقرر قانونی مبنی بر محکومیت نامبرده صادر شده است. رأی صادره قابل تجدید نظر است و در صورت تجدیدنظر خواهی جهت رسیدگی به دادگاه تجدیدنظر ارسال خواهد شد و چنانچه ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ اعتراضی به رأی نشود، دادنامه قطعی و به‌اجرای احکام ارسال خواهد شد.

مرگ مادر بزرگ در آتش سوزی خانه

زن سالخورده در جریان حادثه آتش‌سوزی خانه‌اش در شهرستان شیروان جان باخت.
سرهنگ مسعود وحیدی، فرمانده انتظامی شهرستان شیروان گفت: در جریان این حادثه که بر اثر انفجار ناشی از نشتی گاز و روشن کردن لامپ اتفانک مادر بزرگ خانواده کودک به همراه مادرش هم توسط مردم از داخل آتش نجات پیدا کردند. بر اساس اعلام کارشناسان در این آتش‌سوزی خسارت زیادی به اموال منزل وارد شده است.

شقایق مرگ در ساحل آستارا

سه مرد جوان در مناطق خطر آفرین آب‌های ساحلی لوندویل شهرستان آستارا غرق شدند.

ایرج هاشم‌نیا، رئیس هیئت نجات غریق آستارا گفت: این حادثه عصر دیروز اتفاق افتاد که در جریان آن دو نفر از غرق شدگان ۲۸ساله و دیگری ۲۳ساله بودند که بدون داشتن مهارت شنا، در مناطق خلج محله و سیبلی بخش لوندویل غرق شدند.

شورر کرمان اعدام شد

رئیس دادگاه انقلاب کرمان گفت: حکم اعدام یحیی احمد یوسفی شورور خطرناک کرمان صبح دیروز در زندان اجرا شد.
احمد قربانی گفت: متهم یکی از اشرار مسلح معروف و خطرناک جنوب استان کرمان بود که طی یکسری اقدامات اطلاعاتی توسط سربازان گنم امام زمان (عج) در مخفیگاهش دستگیر شده بود.

وی ادامه داد: متهم تحت عنوان افساد فی الارض در دادگاه انقلاب کرمان محاکمه و به تعداد زیادی از جرائم خود اقرار صریح کرده است. متهم سال‌هایتمادی با جراتمی از قبیل قتل عمد، آتش‌سوزی، گروگانگیری، آدم‌ربایی، سرقت‌های مسلحانه، ایراد ضرب و جرح عمدی، اخاذی در منطقه رعب و وحشت ایجاد کرده بود که محاکمه و سرانجام اعدام شد.

رها سازی پای دختر بچه از نرده‌های جوی آب



پای دختر بچه‌ای که لای نرده‌های جوی آب گرفتار شده بود، رها سازی شد.

عصر روز گذشته پدر و مادری از خیابان عزیززی محله هاشم‌آباد با سامانه ۱۲۵ تماس گرفتند و گفتند که پای دختر بچه‌شان لای نرده جوی آب گیر کرده است. لحظاتی بعد تیمی از آتش‌نشانان ایستگاه ۱۱۳ در محل حاضر شدند. نادر سرپعی فرمانده آتش‌نشانان گفت: پس از رسیدن به محل حادثه مشاهده شد که پای چپ دختر بچه حدود چهارساله در هنگام بازی لای میله‌های پل جوی آب کوجه گیر کرده و قادر به خارج کردن آن نبود.

وی افزود: این حادثه ضمن ایجاد ترس برای کودک، موجب نگرانی والدین وی نیز شده بود. آتش‌نشانان با استفاده از ابزار هیدرولیکی مشغول عملیات شدند و هم‌زمان با سرگرم آرام کردن کودک، مین میله‌های آهنی، فضای آزاد ایجاد کردند و با رعایت نکات ایمنی موفق شدند بدون هیچ‌گونه آسیبی، پای کودک را رها کرده و به ناراحتی وی پایان دادند.